



## محمد بن ابی‌بکر

**کلیدواژه:** محمد بن ابی‌بکر، امام علی علیه‌السلام.

**پرسش:** آیا محمد بن ابی‌بکر از نزدیکان و پیروان **امام علی** - علیه‌السلام - بود؟ چگونه فرزند ابوبکر در دامان **علی** - علیه‌السلام - بزرگ شد؟ در صورت امکان زندگی‌نامه وی را بیان کنید؟

**پاسخ:** محمد فرزند ابوبکر (خلیفه اول) در سال حجة‌الوداع در مسیر مدینه به مکه به دنیا آمد. مادرش **اسماء بنت عمیس**، ابتدا با جعفر بن ابی‌طالب ازدواج کرد. بعد از **شهادت** جعفر، به همسری **ابوبکر** درآمد. ثمره این ازدواج، تولد محمد بود. محمد در دوران کودکی پدرش را از دست داد. اسماء پس از **مرگ** ابوبکر به **عقد** امام علی - علیه‌السلام - در آمد و این‌گونه محمد به خانه علی - علیه‌السلام - راه یافت. **محمد بن ابی‌بکر** در جنگ‌های جمل و صفین در رکاب آن حضرت جنگید.

### فهرست مندرجات

- ۱ - ولادت
- ۲ - کنیه
- ۳ - نام مادر
- ۴ - چگونگی راه یافتن به خانه علی
- ۵ - پی‌روی از امام علی
- ۵.۱ - ازدواج دختر محمد
- ۶ - نقش محمد در قتل عثمان
- ۷ - محمد در کنار امام علی
- ۸ - ارادت و اعتقاد محمد به امام
- ۹ - واگذاری ولایت مصر به محمد
- ۱۰ - واگذاری ولایت مصر به مالک
- ۱۱ - نامه امام به محمد
- ۱۲ - شهادت مالک
- ۱۳ - شهادت محمد
- ۱۳.۱ - سخن امام
- ۱۴ - سخنان امام درباره محمد
- ۱۵ - پانویس
- ۱۶ - منبع

### ولادت

محمد فرزند ابوبکر (خلیفه اول) در سال حجة‌الوداع در مسیر **مدینه** به **مکه** متولد شد. <sup>[۱]</sup>

### کنیه

کنیه او ابوقاسم است. <sup>[۲]</sup> این کنیه را خواهرش عایشه، به او داد. <sup>[۳]</sup>

### نام مادر

مادرش اسماء بنت عمیس، خواهر میمونه همسر **پیامبر اسلام** - صلی‌الله‌علیه‌وآله - بود.

### چگونگی راه یافتن به خانه علی

اسماء بنت عمیس ابتدا با جعفر بن ابی‌طالب ازدواج کرد، سپس همراه او به **حیله** هجرت کرد و در آنجا ساکن شد و فرزندی را به دنیا آورد. بعد از **هجرت** پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - به مدینه، او نیز همراه با دیگران به مدینه **مهاجرت** کرد. زندگی مشترک او با جعفر ادامه داشت تا این‌که جعفر به شهادت رسید. اسماء پس از شهادت جعفر به همسری ابوبکر درآمد. ثمره این ازدواج، تولد محمد بود. محمد در دوران **کودکی** پدرش را از دست داد. وی پس از مرگ ابوبکر با امام علی - علیه‌السلام - ازدواج کرد و این‌گونه محمد به خانه علی - علیه‌السلام - راه یافت و تحت **تربیت** ایشان قرار گرفت. <sup>[۴]</sup>

### پی‌روی از امام علی

از آنجا که تربیت محمد در دامان علی - علیه‌السلام - بود، افکار و عقاید محمد نیز به امام علی - علیه‌السلام - نزدیک‌تر شد. محمد در **اعتقاد** و **عمل** از علی - علیه‌السلام - پی‌روی می‌کرد و رابطه خوبی با آن حضرت داشت و در جنگ‌هایی (مانند جمل و صفین) نیز در رکاب آن حضرت جنگید. <sup>[۵]</sup>

### ← ازدواج دختر محمد

محمد همچنین فرزندی به نام قاسم داشت که دخترش با **امام باقر** - علیه‌السلام - ازدواج کرد و **امام صادق** - علیه‌السلام - را به دنیا آورد. <sup>[۶]</sup>

## نقش مجد در قتل عثمان

اولین حادثه تاریخی مهم که مجد در آن نقش داشت و تاریخ به صورت مشخص از او نام می‌برد، حادثه قتل عثمان است. تعدادی از اهالی و بزرگان مصر به نزد اصحاب پیامبر اکرم - صلی‌الله‌علیه‌وآله - در مسجد النبوی آمده و از عملکرد عثمان و والی او در مصر شکایت کردند. صحابه نیز حق را به ایشان داده و عثمان را سرزنش کردند. در گفت‌وگویی که میان آنها و عثمان سر می‌گیرد، عثمان از **جماعت** می‌خواهد فردی را برای ولایت مصر معرفی کند. آنها مجد بن ابی‌بکر را پیشنهاد می‌دهند و عثمان **ولایت** او را مهر و امضا می‌کند. او همراه تعدادی از **مهاجر** و **انصار** و اهالی مصر به سمت مصر حرکت می‌کند و در بین راه به غلام سیاه‌پوستی رسیده و بعد از مشاجره‌ای، نامه عثمان به حاکم مصر را از او می‌گیرند. عثمان در این نامه نوشته بود که وقتی مجد بن ابی‌بکر و همراهانش از مهاجر و انصار به سمت تو آمدند، آنها را دستگیر و همگان را بکش. وقتی نامه خوانده شد، جماعت به مدینه برگشتند و در نزد بزرگان و اصحاب پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - نامه را خواندند و بر همگان، حقیقت امر **آشکار** شد و این‌گونه تصمیم بر محاصره خانه عثمان و بعد بستن **آب** بر ایشان گرفته شد. [۷] مجد از سردمداران مخالفت با عثمان بود. او همراه با چند نفر به داخل خانه عثمان رفت. مجد عثمان را گرفت و وی را به پشت بر زمین زد و روی سینه‌اش نشست، ریش عثمان را گرفت و گفت: **معاویه** به کمک تو نیامد؟! ابن عامر و ابن ابی‌سرحد نیز به یاری تو نشناختند! عثمان به مجد گفت: اگر پدرت مرا در این وضعیت می‌دید، بر من **گره** می‌کرد. مجد با شنیدن این سخنان، عثمان را رها کرد و از خانه وی بیرون رفت. [۸] [۹]

## مجد در کنار امام علی

مجد از ملازمان **علی** - علیه‌السلام - بود. زمانی که علی - علیه‌السلام - آهنگ کوچ به کوفه و **جنگ جمل** را داشت، مجد را همراه برخی **صحابه** (مانند عمار یاسر) به آنجا فرستاد تا ابوموسی اشعری و مردم کوفه را به سوی خود فرا خوانده و آنها را برای **جهاد** در نزد **خداوند** آماده کند. [۱۰] مجد در جنگ جمل که عایشه (خواهرش) از سردمداران جبهه مخالف بود، در رکاب علی - علیه‌السلام - جنگید و در **جنگ صفین** نیز ایشان را همراهی کرد. [۱۱] او در این جنگ نامه‌ای به معاویه نوشت و سابقه و فضیلت‌های علی - علیه‌السلام - را به او گوشزد کرد و با تندی و با بیان خیانت‌های اَلسفیان، او را از اعمالی که انجام می‌داد، برحذر داشت.

## ارادت و اعتقاد مجد به امام

مجد در این **نامه**، علی - علیه‌السلام - را این‌گونه توصیف می‌کند: «... و اول کسی که دعوت پیامبر **اسلام** - صلی‌الله‌علیه‌وآله - را **اجابت** کرد و اسلام آورد، برادر و پسر عمومیش علی بن ابی‌طالب - علیه‌السلام - بود که سخنان آن حضرت را پنهانی تصدیق کرده و او را بر تمام خویشان و اقربای خود برتری داد و نقد جان خود را برای سلامتی و خوشی آن حضرت پیوسته به کف داشت. هنگام گرفتاری و سختی و اقدامات مخالفان و آزار دشمنان نسبت به رسول خدا در نهایت تلاش و **محبت** و صمیمیت می‌کوشید. امروز تو را می‌بینم که می‌خواهی نسبت به علی بن ابی‌طالب - علیه‌السلام - **افتخار** و برتری‌جویی! حال این‌که تو تویی و او اوست، همو که در تمام قسمت‌های **خیر** بارز و برجسته است و تو لعین پسر لعینی. تو و پدرت همواره مخالف و **دشمن** اسلام و پیامبر بوده و از هیچ توطئه‌ای فروگذار نکرده‌اید، و لحظه‌ای برای خاموش ساختن نور خدا از بذل مال و تحریک اشخاص و جمع و تهیه نیرو و قوا مضایقه نکرده‌اید و تا دم **مرگ** پدرت این‌گونه بود و بر این کار؛ تو جانشین او شده‌ای. پس چگونه است که امروز خود را با علی بن ابی‌طالب برابر می‌دانی، حال این‌که او **وارث علم** رسول خدا و وصی او است، او نخستین پیرو و وفادارترین فرد به پیامبر است، و تو و پدرت (ابوسفیان) دشمنان اویدی، پس تا می‌توانی از این راه ناصواب و **باطل** خود بهره‌ببر، و در گمراهی خود از پسر عاص استعانت و **کمک** بگیر، پس به همین زودی‌ها زندگی تو به پایان رسیده و حیل‌های سپری گشته و آخر می‌فهمی که حسن عاقبت و نیکبختی در کجا بوده است، پس درود بر کسی که از راه **هدایت** پیروی نماید». [۱۲] [۱۳] این نامه به روشنی، ارادت و اعتقاد مجد بن ابی‌بکر به **امام علی** - علیه‌السلام - را نشان می‌دهد.

## واگذاری ولایت مصر به مجد

امام علی - علیه‌السلام - بعد از **جنگ صفین**، ولایت مصر را به مجد سپرد و او والی یکی از بزرگ‌ترین ولایت‌های اسلامی شد. [۱۴] **امام** او را با نامه‌ای فرستاد که در آن کلیات و اصول حکومت اسلامی و **حاکم** اسلامی را گوشزد کرده بود. [۱۵] [۱۶]

## واگذاری ولایت مصر به مالک

اما **مصر** نقطه‌ای حساس و کلیدی در جامعه آن زمان بود و برای معاویه نیز بسیار اهمیت داشت؛ لذا مشکلات و درگیری‌هایی در آنجا به وجود آمد. امام در نهایت مالک بن اشتر نخعی از بزرگ‌ترین و کارآمدترین افراد خود را به‌جای مجد در **حکومت** مصر فرستاد. خبر وقتی به مجد رسید، او را ناراحت کرد که در نتیجه آن امام این‌گونه به او نوشت:

## نامه امام به مجد

«خبر دل تنگیت از این‌که اشتر را به منطقه حکمرانی فرستادم به من رسید، این کار من نه به جهت این بود که تو را کاهل و سست می‌دانستم، و نه به علت این‌که می‌خواستم کوشش زیادتری از خود نشان دهی. اگر از حکومت مصر آنچه در اختیار تو است از تو گرفتم، تو را حاکم منطقه‌ای قرار می‌دهم که زحمتش برایت آسان‌تر، و حکومتش برای تو خوشایندتر باشد». [۱۷] [۱۸] مجد نیز در جواب امام، نامه‌ای نوشته و اطاعت و **احترام** خود را به امام علی - علیه‌السلام - نشان داد. [۱۹]

## شهادت مالک

اما رسیدن **مالک** به مصر به سرانجام نرسید و در میان راه، در اثر **سم** به شهادت رسید [۲۰]

## شهادت مجد

و مجد در مصر باقی ماند و سپاه **شام** بدان‌جا رسید. در نهایت مجد توسط لشکر شام شهید شد و آنها بدن مجد را در شکم خَری قرار داده و آن را **آتش** زدند. [۲۱]

## ← سخن امام

وقتی خبر شهادت مجد را به **علی** - علیه‌السلام - دادند، ایشان فرمودند: «انده ما بر او به اندازه شادی شامیان است؛ چراکه آنها دشمنی را از دست دادند و ما دوستی را». [۲۲] او همچنین در مورد از دست دادن مصر فرمود: «می‌خواستم هاشم بن عتبّه را فرماندار مصر کنم، اگر او را انتخاب می‌کردم، میدان را برای دشمنان خالی نمی‌گذارم و به عمرو عاص و لشکریانش فرصت نمی‌داد، نه این‌که بخوام مجد بن ابی‌بکر را نکوهش کنم، که او مورد **علاقه** و محبت من بوده و در دامنم پرورش یافته بود». [۲۳]

## سخنان امام درباره مجد

همچنین زمانی که **امام عبداللّه بن عباس** را به سمت مصر و جنگ با شامیان می‌فرستاد، این‌گونه در مورد مجد می‌گوید: «مصر را گشودند و مجد پسر ابوبکر، که خدایش پیامبر زاد، **شهید** گردید **پادش** مصیبت او را از خدا می‌خواهم. فرزندی خیرخواه و کارگذاری کوشا و تیغی برنده و رکبی بازدارنده بود. من مردم را برانگیختم تا در پی او روند و آنان را فرمودم تا به فریاد وی رسند، پیش از آن‌که - شامیان - کار او را پایان دهند و آنان را نهبان و **آشکار**، فراوان نه یک بار، خواندم...». [۲۴]

۱. ↑ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة فی تمييز الصحابة، تحقیق: عبدالموجود، عادل احمد، معوض، علی مجد، ج ۶، ص ۱۹۴، دار الکتب العلمیة، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۲. ↑ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق: البجاوی، علی مجد، ج ۳، ص ۱۳۶۶، دار الجیل، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۳. ↑ ابن اثیر، ابوالحسن علی بن مجد، أسدالغابة فی معرفة الصحابة، ج ۴، ص ۲۲۶، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۹ق.
۴. ↑ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق: البجاوی، علی مجد، ج ۴، ص ۱۷۸۴ - ۱۷۸۵، دارالجیل، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۵. ↑ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق: البجاوی، علی مجد، ج ۳، ص ۱۳۶۶، دار الجیل، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۶. ↑ کلینی، مجید یعقوب، الکافی، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، آخوندی، مجد، ج ۱، ص ۴۷۲، دارالکتب الإسلامیة، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۷. ↑ ابن قتیبة الدینوری، ابومجد عبدالله بن مسلم، الإمامة و السياسة (تاریخ الخلفاء) تحقیق: شبیری، علی، ج ۱، ص ۵۶ ۵۵، بیروت، انتشارات دارالأضواء، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۸. ↑ ابن اثیر، ابوالحسن علی بن مجد، أسدالغابة فی معرفة الصحابة، ج ۴، ص ۳۲۶، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۹ق.
۹. ↑ ابن کثیر دمشقی، البداية و النهاية، ج ۷، ص ۱۸۴، دارالفکر، بیروت، بی تا.
۱۰. ↑ ابن قتیبة الدینوری، ابومجد عبدالله بن مسلم، الإمامة و السياسة (تاریخ الخلفاء) تحقیق: شبیری، علی، ج ۱، ص ۸۴، بیروت، انتشارات دارالأضواء، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۱۱. ↑ ابن اثیر، ابوالحسن علی بن مجد، أسدالغابة فی معرفة الصحابة، ج ۴، ص ۳۲۶، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۹ق.
۱۲. ↑ طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ترجمه، جعفری، ج ۱، ص ۳۹۹، اسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
۱۳. ↑ نصرین مزاحم، وقعة صفین، محقق و مصحح: هارون، عبدالسلام مجد، ص ۱۱۸ ۱۱۹، مکتبة آية الله المرعشي النجفي، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۱۴. ↑ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق: البجاوی، علی مجد، ج ۳، ص ۱۳۶۶، دار الجیل، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۱۵. ↑ شریف الرضی، مجید بن حسین، نهج البلاغة، محقق و مصحح: صبحی صالح، نامه ۲۷، ص ۲۸۳ - ۲۸۵، هجرت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۱۶. ↑ شریف الرضی، مجید بن حسین، نهج البلاغة ت الحسون، ج ۱، ص ۶۱۵.
۱۷. ↑ شریف الرضی، مجید بن حسین، نهج البلاغة، محقق و مصحح: صبحی صالح، نامه ۲۴، ص ۴۰۷، هجرت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۱۸. ↑ شریف الرضی، مجید بن حسین، نهج البلاغة ت الحسون، ج ۱، ص ۶۵۸.
۱۹. ↑ مجلسی، مجدباقر، بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۵۵۷، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۲ق.
۲۰. ↑ . ثقفی، ابراهیم بن مجید بن سعید بن هلال، الغارات أو الإستنصار و الغارات، محقق و مصحح: محدث، جلال الدین، ج ۱، ص ۲۵۹ - ۲۶۰، انجمن آثار ملی، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۵ق.
۲۱. ↑ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق: البجاوی، علی مجد، ج ۲، ص ۱۳۶۶، دار الجیل، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۲۲. ↑ شریف الرضی، مجید بن حسین، نهج البلاغة، محقق و مصحح: صبحی صالح، ص ۵۲۲، هجرت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۲۳. ↑ شریف الرضی، مجید بن حسین، نهج البلاغة، محقق و مصحح: صبحی صالح، خ ۶۸، ص ۹۸، هجرت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۲۴. ↑ شریف الرضی، مجید بن حسین، نهج البلاغة، محقق و مصحح: صبحی صالح، ص ۴۰۸، هجرت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.

## منبع

پایگاه اسلام کوئست.

رده‌های این صفحه : تاریخ معصومان | تاریخ زندگانی امام علی | یاران امام علی